

زندانیان سیاسی همچنان زیر فشارند

خطر جدی همچنان جان زندانیان سیاسی را تهدید می‌کند. در این میان وضع بسیاری از رفقای توده‌ای هنوز مبهم است. همانگونه که در هفته‌های پیش نیز خبر دادیم، رژیم ازدادن اجازه ملاقات به بسیاری از خانواده‌های زندانیان سیاسی خودداری می‌کند. هر چند طی هفته گذشته به تعداد اندکی از خانواده‌ها ملاقات داده شد، اما اکثر خانواده‌ها کماکان در پشت در زندانهای رژیم انتظار می‌کشند. هفته گذشته در روز معمول ملاقات در زندان گوهر دشت، جمع کثیری از اعضا خانواده‌ها در اطراف این زندان تجمع کردند، اما تنها تعداد اندکی موفق شدند تا با عزیزان شان دیدار کنند. میان خانواده‌های زندانیان سیاسی و پاسداران درگیری‌هایی نیز روی داد.

از سوی دیگر شایعاتی به گوش می‌رسد حاکی از آنکه رژیم طی هفته‌های اخیر تعداد زیادی از زندانیان سیاسی را به شهادت رسانده است. در این لحظات حساس و وظیفه‌آمیز اعضا و هواداران حزب است تا نتوانند لحظه‌ای کارزار همستگی با این فرزندان راستین خلق دچار وقفه گردد. ما بار دیگر به مراجع بین‌المللی و تمام انسان‌دوستان جهان مراجعه می‌کنیم و از آنان می‌خواهیم تا صدای اعتراض خود را علیه اعمال جنایتکارانه رژیم هر چه راس‌تر سازند.



شماره ۲۳۰ دوره هشتم سال پنجم
شنبه ۱۳۲۷/۸/۳ به ۲۰ ریال

هم شکنجه، هم آزادی‌کشی

مانطور که در خبر مربوط به زندان‌ها می‌خوانید، پس از دو ماه قطع کامل ملاقات‌ها، اینروزها تهران شاهد غلغله در پراپر زندان‌ها است. در این میان شیوه‌ای که گردانندگان جنایتکار زندان‌ها برای آزار روانی خانواده‌ها ابداع کرده‌اند واقعا بی‌سابقه و حیرت‌انگیز است.

ماموران زندان به همسر رفیقی که برای دیدار با شوهرش رفته بوده است با خونسردی حیوانی گفته‌اند که شوهر او در درگیری میان توده‌ایها و فدائی‌ها در داخل زندان کشته شده است!

اصولا پخش شایعات دروغ و هراسناک یکی از شیوه‌های ضدانسانی تازه‌ای است که برای مرعوب کردن و شکنجه روانی دادن به خانواده‌ها به وسعت مورد استفاده قرار می‌گیرد. یکرز می‌گویند طبق دستور امام هر کس توبه نکند اعدام می‌شود، روز دیگر می‌افزایند که از این‌پس پانزده روز یکبار ملاقات نمی‌دهیم و باید منتظر خبر از جانب ما باشید که کی اجازه ملاقات دارید.

شوشتی رئیس سازمان زندان‌ها به دستیاران خود دستور اکید داده است که نسبت به خانواده‌های زندانیان سیاسی ام از مادر و پدر و خواهر و برادر و یا همسر و فرزند با خشونت هرچه تمام‌تر رفتار کنند و اگر کسی واکنش نشان داد او را دستگیر سازند. علت این است که گردانندگان زندان‌ها از تجمع خانواده‌ها و همبستگی آنها با یکدیگر پشند وحشت دارند و می‌کشند چنان محیط پرهراسی بوجود آورند که تنها از جان گذشتگان چرات داشته باشند سراغ عزیز دیند خود را بگیرند.

بطور قطع، تعداد زیادی از زندانیان سیاسی، به هنگام "خانه‌تکانی" اخیر در زندان‌ها سربیه نیست شده‌اند و اکنون قاتلان خونخوار در صدد ماست مالی کردن تبهکاری‌های خود و یافتن دستاویزهای "دنیاپسندی" هستند که به کمک آنها مرگ زندانیان سیاسی را امری عادی وانمود سازند. دروغساز پیرومون درگیری میان توده‌ای و اکثریتی و یا خودکشی و سکنه قلبی و بیماری عفونی و نظایر آنها، همان هدف رادنهال می‌کند.

"فراغ بال"

در مصاف با خلق کرد

پیکار طولانی و خونین خلق قهرمان کرد وارد یکی از دشوارترین مراحل خود شده است. رژیم‌های ارتجاعی ایران و عراق همه نیروی بهیمی خود را بسیج کرده‌اند تا از شرایط جدید در پی آتش‌بس حداکثر بهره‌برداری را برای پیشبرد سیاست سرکوب‌خانی کنند.

با فروکش شعله‌های آتش جنگ در جبهه، لرفین مخصوصه برای تثبیت موقعیت اجتماعی و سیاسی خویش ماشین عظیم جنگی خود راه کردستان گسیل داشتند. در این میان رژیم عراق گوی سبقت را از دیگران ربود و با توپ و تانک و هواپیما و با کاربرد انواع سلاحها از جمله جنگ افزارهای شیمیایی نواحی شمالی کردستان عراق را به یک میدان تمام عیار جنگی تبدیل کرد، مردم بیگناه این منطقه محروم، از آن جمله کودکان معصوم، پیر مردان و پیر زنان را به خاک و خون کشید و صدها روستا را با خاک یکسان کرد تا به آرزوی حیوانی خویش دایه هر چارو کردن کردها از سرزمین آنها و اجدادی‌شان و تهدیل مناطق مرزی کردنشین به مناطق "خالی از سکنه" جامه عمل بپوشاند. تنها طی چند ماه اخیر در نتیجه حملات نیروهای نظامی عراق به مناطق کردنشین این کشور دهها هزار کرد و از جمله هزار نفر در "حلبچه" جان باخته‌اند.

رژیم چ.ا. نیز سیاست مشابهی در پیش

برداشت امروزین از سوسیالیسم

کر فته و با تمرکز بخش قابل ملاحظه‌ای از نیروی نظامی خود در نواحی مرزی کردستان ایران می‌کوشد تا ندادی حق طلبانه زحمتکشان کردستان را خاموش سازد. دست اندرکاران رژیم با صراحت تمام تصمیم خود دایه به تشدید خلق‌کشی در کردستان را اعلام کردند. در این رابطه فراموشان سپاه یازدهم و دوازدهم گفته‌اند: "با توجه به فراغ بالای که نظام جمهوری اسلامی از جنگ پیدا کرده خواهیم توانست با استفاده از بیگانه‌های بیشتر و قوی‌تر و قدرت تمام به سرکوبی قاطع ضد انقلابیون بپردازیم". آنها در تاکید بر این منغلق زور به عنوان جلوه‌ای از سیاست ارتجاعی رژیم افزودند: "در این شرایط با قدرت کامل و توان بالای نظامی که داریم هیچگونه مذاکره‌ای وجود ندارد" (رسالت، ۲۰ مرداد).

با اعلام آتش‌بس میان ایران و عراق و آزاد شدن ماشین جنگی دو کشور و اعزام بخش مهمی از نیروهای نظامی به کردستان دوره نوینی در مبارزه کردها، ایران و عراق آغاز می‌شود. اینک رژیم‌های ایران و عراق با "فراغ بال" بیشتر به مصاف خلق کرد آمده‌اند.

ما این تعرض دامندار رژیم‌های ایران و عراق را علیه خلق کرد پشند محکوم می‌کنیم.

آزادی شرط ضرور رشد و شکوفائی مین

منتظری در پیام به کردهائی سالانه "انجمن‌های اسلامی دانشجویان سراسر کشور" به طرح مطالبی پرداخته است که دقت در کنه آنها حکایت از تحکیم پیش از پیش پایه‌های استبداد در مین ما دارند. او می‌گوید: "آزادی بیان و اظهار نظر در چارچوب اسلام و انقلاب و مصالح کشور حق طبیعی و قانونی هر فرد و جناحی است. روزنامه‌ها و رسانه‌های گروهی باید مرکز نشر افکار و نظرات گوناگون باشند تا رشد انقلاب و ملت متوقف نشود".

و، در جای دیگر می‌افزاید: "زمان تکفیر و بهرچسب زدن به هر منادی حقی گذشته است. چرخ زمان به عقب بر نمی‌گردد. انقلاب نیر وهایی را از بند آزاد نمود. ما هنوز در سطره هستیم" (صداء، چ.ا. ۱۰/۷/۶۷).

بدرود حیدرا درود حیدرا

از این سخنان بر می‌آید که علیرغم تحدید حق آزادی، به "چارچوب اسلام" از سوی منتظری، اهم داران اصلی حاکمیت چ.ا. پارافرات گذاشته و در این چارچوب تنگ نیز حاضر به تحمل عقیده و نظر نیر وهاء، مخالفی که منتظر، وجود و حضور آنها در جامعه را شرط عدم توقف "رشد انقلاب و ملت" می‌داند نیستند و عزم جزم کرده‌اند تا کردن آنها را نیز با شمشیر "تکفیر و بهرچسب زدن" بزنند.

استبداد حاکم بر کشور در چند روز و چند ماه گذشته بلکه طی سالها با گرفت و کسان که امروز از "تکفیر و بهرچسب زدن" می‌نالند خود در تحکیم شالوده‌های این استبداد شریک و سهیم بودند. آنها با تأکید سرکوب منادیان واقعی حق و آزادی توسط دستگاه استبداد چ.ا. عملا به ایجاد و تقویت این

برقرار باد "جبهه آزادی و صلح"؛ سرنگون باد رژیم "ولایت فقیه"!

هم شکنجه، هم...

پاسخ‌هایی که ماموران زندان به پرسش‌های خانواده‌های نگران، در مورد حال و وضع نزدیکانشان می‌دهند، سوی ارضای تمایل بیمارگونه انسان آزادی، ضمناً نشان می‌دهد که قصد زمینه چینی برای اعلام رسمی خبر مرگ آنان نیز منتفی نیست.

به گروهی از خانواده‌های زندانیان سیاسی گفته‌اند: آنهایی که حکم زندان ده سال به بالا داشته‌اند ولیکن حاضر به مصاحبه و توبه نبوده‌اند اعدام شده‌اند. برخی از زندانیان را از این هم فراتر نهاده و اعلام کرده‌اند: حتی کسانی که در دادگاه تهرسه شده بوده‌اند ولی از مصاحبه امتناع کرده‌اند اعدام گردیده‌اند. یکبار می‌گویند ۶۰ نفر را به چوبه تبرپاران بسته‌اند و بار دیگر مدعی می‌شوند که حال همه خوبست و دفعه گذشته قصد "مزاج" داشته‌اند! در چنین وضعیتی می‌توان حال مادران و همسران زندانیان را پس از شنیدن این اخبار هولناک پخوبی در نظر مجسم کرد. بطور کلی در رژیم "ولایت فقیه" جز بی‌قانونی و خودسری مطلق، شکنجه و آزار زندانیان، ایجاد رعب و وحشت در خانواده‌ها و خفقان عمومی چیز دیگری وجود ندارد.

با این حال چنانچه کارکنان از آینده خود سخت بیمناکند و خونسردی ظاهری‌شان نمی‌تواند تب و تاب درونی را پپوشاند. اینان از فاش شدن راز چنانچه‌اشان در اذهان عمومی و پویزه در سطح جهان وحشت مرگ دارند.

اگر آیت‌الله موسوی پهنوردی عضو شورای عالی قضایی مجبور می‌شود در گفتگو با خبرنگاری جمهوری اسلامی اعلام کند: "از آنجائیکه مکتب حیاتبخش اسلام مخالف شکنجه است، لذا چنانچه مقامات قضایی انتظامی و سایر مراجع با توسل به شکنجه از متهم اقرار بگیرند، تحت تعقیب قانونی قرار خواهند گرفت" نباید چنین پنداشت که شورای عالی قضایی با شکنجه کردن زندانیان مخالف است.

موسوی پهنوردی خود پخوبی می‌داند که دارد دروغ می‌گوید ولی برای مقابله با رسوایی مطلق رژیم در برابر افکار عمومی جهانیان، راه دیگری جز دروغگویی به عقلش نمی‌رسد. او ضمن شکایت از اینکه: "مجامع بین‌المللی و استکبار جهانی سعی در لوٹ کردن این نظام اسلامی داشته و وجود شکنجه در زندان‌های ایران را مطرح می‌کنند، حال آنکه نظام اسلامی مخالف شکنجه بوده و می‌باشد"، چاره‌ای جز این ندارد که به وجود شکنجه‌های غیرقابل انکار در زندان‌های جمهوری اسلامی اعتراف کند و نام دیگری بر آنها بنهد: "لیکن دشمنان اسلام مسئله تعزیر را که حد شرعی است تحریف نموده و به عنوان وجود شکنجه در ایران بیان می‌کنند که عاری از حقیقت است".

آیا پراستی وجود شکنجه در زندان‌های جمهوری اسلامی "عاری از حقیقت" است؟ بیگمان اگر

آزادی شرط ضرور...

دستگاه چینی کمک رسانند. این ماشین سرکوب در تلاش برای بازگرداندن "چرخ زمان به عقب" بخش قابل توجهی از نیروهای را که "انقلاب ازبند آزاد نبود" دوباره به زندان افکند و با انواع اتهامات بی‌اساس هر زبان حق‌گوئی را پهرید.

یورش به حزب توده* ایران و دیگر نیروهای مترقی - که تنها در پرتو حضور فعال آنها در جامعه روند "رشد انقلاب" می‌توانست ادامه یابد - در واقع یورش به شعارهای انقلاب و از جمله یورش به آزادی بود. بیگمان حمله به این نیروها در حکم هجوم به خاکریزهای اول جبهه نیروهای مردمی بود و پس از آن نوبت دیگر نیروهای مخالف فعال مایشاشی بزرگ مالکان و کلان سرمایه‌داران فرا می‌رسید.

آیت‌الله موسوی پهنوردی به آزادی همین دروغی که در مورد نفی شکنجه در زندان‌های جمهوری اسلامی پر زبان آورده است "تعزیر" می‌شد و هفتاد ضربه شلاق سیمی از ساق پا تا پشت گردنش پرا فرود می‌آوردند، فوراً پی می‌برد که شکنجه، شکنجه است، چه "تعزیر" نامیده شود و چه "حد شرعی"!

در پیوند با اعدام خودسرانه زندانیان سیاسی به گناه "توبه" نکردن و دست نکشیدن از آرمان‌های والای انسانی خود برای خدمت به خلق و میهن نیز تلاش‌های خامنه‌ای رئیس جمهور و امام جمعه تهران برای اثبات احترام رژیم به آزادی‌های سیاسی و اجتماعی پیشیزی ارزش ندارد و نمی‌تواند کسی را پفریهد.

در یکی از خطبه‌های نماز جمعه، حجت‌الاسلام سید علی خامنه‌ای، دیدگاه‌های اسلام در مورد آزادی تفکر، آزادی عقاید مذهبی و آزادی عقاید سیاسی را مورد پرسی قرار داد و در پایان به نتیجه رسید که: "پنا براین بطور خلاصه می‌توان گفت که آزادی تفکر در اسلام تأمین شده است. آزادی عقاید مذهبی، سیاسی و علمی نیز تضمین شده است. ولی ضدیت آن با اسلام و سعی در به انحراف کشاندن مردم قابل قبول نیست."

اگر اسلامی که اینک در میهن ما پیاده می‌شود همان اسلامی باشد که امام جمعه تهران آنرا توصیف می‌کند، سید علی خامنه‌ای نیز بخاطر دروغگوئی سزاوار "تعزیر" و نوش‌چان کردن هفتاد ضربه شلاق سیمی است. ولی ایشان هم مانند پهنوردی دریچه اطمینان را باز گذارده و پا گذاشتن شرط عدم "ضدیت با اسلام" در واقع آزادی‌ها را نفی کرده است.

پراستی هم هرگونه آزادی، چه آزادی اندیشه، چه آزادی سیاسی، چه آزادی مذهبی و از همه بدتر آزادی عقاید علمی، در حساب آخر منجر به ایجاد مزاحمت‌های جدی برای حکومت چهل و چناییت و "منحرف کردن" توده‌های مردم از "راه راست" می‌شود. از این روست که در رژیم "مرگ پر ضد ولایت فقیه"، همه آزادی‌ها را ممنوع کرده‌اند و آزاداندیشان را به دخمه‌های مرگ می‌فرستند و آنانرا در گزینش "آزادانه" میان مرگ و یا دست کشیدن از عقاید خود آزاد می‌گذارند.

واقعیتی که علیرغم هشداری، مکرر حزب توده* ایران هرگز مورد توجه قرار نگرفت.

آزادی شرط ضرور رشد و شکوفایی میهن ماست و دایره* آن هر خلاف نظر آقای منتظری به چهارچوب "اسلام" محدود نمی‌شود و همه* نیروهای خواهان آزادی و آبادی ایران صرفنظر آؤ دیدگاه و آرمانشان را در بر می‌گیرند.

منتظری در بخش پایانی پیام خود می‌نویسد: "دوران شعار بدون عمل را تمام کنیم. ترتیبی دهیم تا شعارهای این دهساله را پیاده نمائیم. اگر شعار زیاد باشد و یا عمل و سیاست داخلی و خارجی ما با شعارهایمان وفق ندهد ملت ما هم به ما و هم به شعارهایمان بی‌ایمان و بی‌تفاوت خواهند شد."

اگر افعال جملات این نقل قول مربوط به زمان گذشته بود، می‌شد با آقای منتظری کاملاً موافقت کرد. واقعیت آن است که "ملتها" به شعارهای سرمداران رژیم "بی‌ایمان و بی‌تفاوت" شده‌اند زیرا خود آقای منتظری، ناخواسته اعتراف می‌کند که دهسال گذشته "دوران شعار بدون عمل بوده" و حکام رژیم جز وعده‌های پرطعراق ارمغانی به مردم ایران ارزانی نداشته‌اند. آنها شعار استقلال دادند اما راه وابستگی پیمودند، بانگ آزادی پر آوردند اما پیکارگ ان راه آزادی را در سیامی‌های قرون وسطائی شاه ساخته به زنجیر کشیدند. سخن آؤ بر افکندن بنیاد تبعیض و ستم اجتماعی زدند، اما سیاست قربانی کردن زحمتکشان پیش پای منافع آزمندان* صاحبان زر و زور را پیشه کردند.

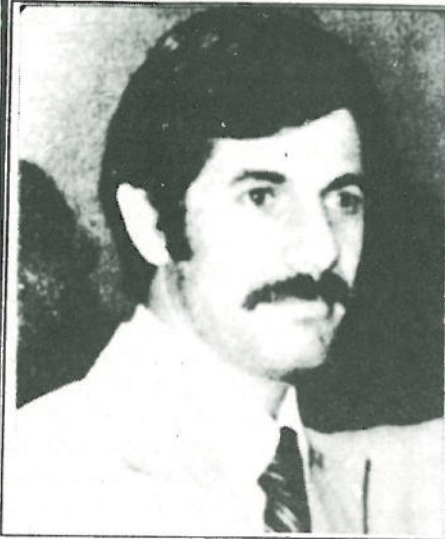
زحمتکشان ایران بدلیل عدیده و از جمله بدلیل تضاد عمیق میان شعار و عمل سر ان رژیم، اعتماد خود به حکام ج.ا. را از دست دادند. حزب توده* ایران ان بکرات درباره* علل یاد شده سخن گفته است. در اینجای مناسب نیست که علت مورد نظر را از زبان نماینده* مجلس خود رژیم بشنویم. آقای قاسم شعله‌سعدی، نماینده* شیراز، در سخنرانی پیش از دستور مجلس گفت: "ما خود را قیم بالفطره* مردم دانستیم و هر جا حمایت و تأییدمان کردند مردم "رشید" شدند و هر جا انتقاد می‌نمودند، مدعی عدم رشد مردم شدیم... چشم بر واقعیات بستیم و حضور مردم را منصرف به شرکت در تظاهرات و راهپیمائی‌ها کردیم و در مراجع و مراحل تصمیم‌گیری‌ها برای مردم محلی از اعراب نکذاشتیم. مستضعفین راه جبهه‌ها و پشت جبهه هدایت کردیم و غارتگران در کاخ‌های نمرودی، آسوده به چپاول پرداختند" ("کیهان" ۲۳ تیر ۶۷).

امروز معضلات فراوان سیاسی و اجتماعی گریبانگیر کشور ما است. غلبه بر این معضلات مستلزم اتخاذ تدابیر همه جانبه و مدبرانه است. ایران شروتمند بشرط برخورداری از یک سیاست درست و واقع بینانه که تدوین آن تنها از عهده* نیروهای مترقی سیاسی بر می‌آید بسرعت می‌تواند به یک کشور آزاد و آباد تبدیل شود. گام اول در این راه علاوه بر تأمین صلح پایدار، کسب آزادی سیاسی برای همه* نیروهای مخالف رژیم "ولایت فقیه" است. هیچ نیروئی به تنهایی قادر به کسب و حفظ آزادی نخواهد بود. بیگانه راه دستیابی به آزادی پذیرش حق آزادی برای همه* نیروهای مخالف استبداد حاکم و مبارزه* مشترک علیه رژیم "ولایت فقیه" است.

مرگ بر امپریالیسم جهانی

به سرکردگی امپریالیسم آمریکا

بدرود حیدر! بدرود حیدر!



پادگانه‌های شاه و فرو پاشاندن نظام ستشاهی شد.
حیدر که در این فاصله تاحد یک رهبر توانمند رشد کرده بود، در همه این پیروزیها نقشی بارز و شایسته داشت. او حق داشت که بدرستی راهی که انتخاب کرده بود ببالد. آنچه او در واپسین لحظه‌ها با خون خویش بر دیوار سپاه‌چال خائنان به آرمانهای خلق نوشت، هم اینک بر تارک تاریخ جنبش کارگری و کمونیستی میهنان حک شده است:

"راه همان است که من رفتم!"

* * *

جانش آمیزه‌ای از تیغ بیکار دیده و آذرخش اندیشه و ملل خیال بود. نان کدل و نرم خوبود امادر عین حال از اراده‌ای ستبر و توانی پهلوانی برخوردار بود. بالابلند و چابک. تنگامی مهربان و نافذ داشت. همواره لبخندی که اغلب به خنده‌ای از صمیم قلب می‌چوکید به چهره* مردانه‌اش معصومیتی کودکانه می‌بخشید. نقشینه‌ای از انسان طراز نو:

آمیزه* فلز و لبخند

آن قشون یک تنه

- عصاره* نامتناهی -

که جوانی جهانی پرشانه‌های اوست و آنگاه که سرفه* دل در حریم یاران می‌گشود هر روح آگاهی در رویارویی با ژرفنای شخصیت و قلمروهای فرمانفرمایی استعدادش یکه می‌خورد. انقلابی از جان گذشته‌ای که آرزوی مقدس دگرگونی جامعه روحش را مسخر و به یکپارچه‌نیروی ناب تبدیل کرده بود. گوینده‌ای توانا که کلامش به نیروی خرد و جادوی هنر جان‌ها را تسخیر می‌کرد. نویسنده‌ای توانمند که هر اندیشه* پیچیده و گریزپایی را در قفس نثر فاخرش به بند می‌کشید. دانشمندی خلق که با ترکیبی از شناختی حسی و علمی، لایه لایه و تودرتوی دانش تئوریک جامعه و انقلاب را می‌کاوید. تاریخ‌دانی که همه* رازهای خیزش‌های زحمتکشان میهنش را در طول قرون و اعصار پژوهش می‌کرد. روزنامه‌نگاری، خودتأیید

تاریخ را توده‌ها می‌سازند. توده‌ها در روئت ساختن تاریخ معجزه‌ها می‌آفرینند. اعجاب آورترین این معجزه‌ها خود انسان است که در جریان تاریخ‌سازی، خویشتر را هر بار در طرازی عالیت‌پا می‌آفریند. در حیات هر خلقی نخبگانی پدید می‌شوند که زندگی‌شان با سازندگی توده‌ها چنان می‌آمیزد که خود به نماد مبارزه و شکست و پیروزی و خلایقیت و آرمان‌گرایی و قهرمانی توده‌ها تبدیل می‌شوند، تا آنجا که فقدان‌شان بارزترین نشانه* آنست که این دفتر کهنسال ورق خورده است.

امروز سرانجام پرده از چهره* شخصیتی کنار رفته است که در یک کلام رادمردی، از این طراز بود. دژخیمان جمهوری اسلامی فرزانه قهرمان، رفیق حیدر مهرگان - رحمان هاتفی - را کشته‌اند. امروز روزیست که جنبش انقلابی میهن ماسر انجام در می‌یابد که اینس چه گوهر بیکدانه‌ای را از کف ما ربوده است، که چه تهنیتی از سپاه اهورا بخاک افتاده است.

و فردا، فردا روزی که خلق بداند...

* * *

چهره‌هائی چون رحمان هاتفی را تنها بر بستر تاریخ می‌توان شناخت. تاریخ دوره* فعالیت خلق او - سالهای او ان دهه* چهل تا بیروزی انقلاب بهمین و ناگامی آن، هنوز به آن دقت و تفصیل که باید، نگاشته نشده است. در سالهای چهل و اوایل دهه* پنجاه رشد شتابان سرمایه‌داری وابسته، از یک سو به رشد کمی و کیفی طبقه* کارگر و از سوی دیگر به پیدایش قشر نوین روشنفکران زحمتکش انجامید. عشق به راهی طبقه* کارگر چنان نیرومند بود که بسیاری، جوانان پیشرو به نبرد تن به تن و بی دورنما با دستگاه پلیس تا بن دندان مسلح شاه پرداختند. اما پیکار در راه انقلاب اجتماعی اصلاح بر اتیک در راه پیوند با توده‌ها و تجهیز همه جانبه با مارکسیسم - لنینیسم را می‌طلبید. جان‌های جوینده به کاوش پرداختند و پیش از همه پیکارگران اندیشمندی چون رفقای شهید هوشنگ تهرانی

حیدر مهرگان و تورج حیدری در کندو و کاوش در راه ارتباط همه جانبه* ایدئولوژیک و سازمانی با طبقه* کارگر، جنبش کهنسال کارگری و کمونیستی ایران را در چهره* حزب توده* ایران باز یافتند. آتش زیر خاکستر حزب مشعل جانهای آنان را در زندانهای شاه شعله‌ور کرد. ساقه‌های ترد هسته‌ها و گروهای مارکسیست - لنینیست باتنه* تبر خورده اما همپنان تنومند. حزب پیوند خورد تا "سازمان نوید" بوجود آید. حیدر بمتابه* نماینده* اصیل این نسل، استعداد شرف خویش را در راس سازمان نوید در خدمت تعمیق جنبش قرار داد که به قیام بهمین فرا روئید. نقش رهبری کننده* حزب لبقه* کارگر از مجرای فعالیت حزب توده* ایران در پوشش "سازمان نوید"، در حساس‌ترین روزهای کسترش جنبش مشکل‌گشای دشواری‌ها شد. پس از جمعه* سیاه ۱۷ شهریور، هنگامیکه پایان گرفتن لرقیبت اشکال تا آن زمان بیکار گرفته شده* مبارزه - نتاها راات خیابانی - فعالین جنبش را سرگشته کرده بود، حزب توده* ایران با دعوت طبقه* کارگر ایران به اعتصاب سراسری بن بست را شکست و آنگاه که اعتصاب عمومی کارگران و کارمندان دستگاه بوروکراتیک و نظامی دولت را فلج کرده بود، دعوت به قیام مسلحانه، راهنمای خلق در فتح

چهره دست که به آهنک نبض رویدادهای روزانه، آگاهی را جرعه جرعه در "نوید" به کام مردم تشنه می‌ریخت و آنان را کام به کام هر چه مصمم‌تر علیه دشمن بسیج می‌کرد. و سر انجام شاعر فلسفه* حیات و عشق و بیکار که هر آنچه که از هستی انسان و طبیعت را که استعدادش هنوز فتح نکرده بود به نیروی خیال به زنجیری می‌کشید و می‌سود.

کدام سپاهدل‌ترین دژخیم تاریخ یارای آن را یافت که دست به خون تو بیالاید؟

* * *

بدرود حیدر! عروج خونینت به سپیده دم تاریخ والاترین فراز زندگی بارورت بود. سیمای همیشه خندانت در کنار قهرمانان توده‌ای به درفش کهن کاویانی طراوت خوبی جوان بخشیده است.

هر چه سرفرازتر در اهتزاز باد این درفش!

* * *

درد - بیدر! پس از پنج سال بازمی‌آیی. در استواری قامت به - انترام برافراشته* بشریت مترقی، در التهاب قلبهای تنیده* بیکارگران و در بغض فروخورده* خلق بازمی‌آیی. کدام خام طمعی گمان برد که تورا از ما تواند گرفت؟ خوش آمدی رفیق! رخصت پهلوان! راه راه ما بنما! راهی را که خودتأیید

گل‌واژه

شب باروت و بوی خون
شب سوگ هزاران اختر پیدار
شب آپستن توفان

شب از شب رنگ می‌گیرد
من از چشمان بی‌رنگ هزاران اختر بینام
که پشت ابرهای تیره پیدارند.

سر ایا آتشم امشب
سر ایا آتشم امشب
که خون پاک و چوشان بر ادراها و خواهرهای،
روان رودیست در میدان مرگ و زور
و در بغض غم آلود سحر
فریادشان در ارتفاع چوبه* اعدام
هر دم می‌شود خاموش

زمین و آسمان غمگین‌ترین افسانه‌ها را بازمی‌خوانند
و پشت شیشه‌ها، پر غبار خانه‌های شهر
لنئینی خسته می‌ماند
و چشمان هزاران مادر محزون
حصار قاعه‌ها را
مضطرب
پیوسته می‌کاود

شب از خون سحر گارنگ می‌گردد
من از گلاوژه‌های خشم...

چه بی‌با انتقاری تلخ!
تلخ
شب وحشت
شب زنجیر
شب فریاد

کنفرانس علمی بین المللی در مسکو

برداشت امروزین از سوسیالیسم

روز چهارم اکثر یک کنفرانس علمی بین المللی با شرکت نمایندگان برجسته علوم اجتماعی از کشورهای سوسیالیستی، پیرامون مسائل روز توسعه و تکامل سوسیالیسم در مرحله معاصر و رشد نقش آن در پیشرفت اجتماعی جهانی در مسکو آغاز به کار کرد.

وادیم مدودف، عضو دفتر سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، یکی از سخنرانان کنفرانس بود. او از جمله گفت: گاه گاه در تاریخ دورانهائی فرامی رسد که در آنها لزوم بازنگری جدی دستاوردهای تکامل اجتماعی و چشم اندازهای بعدی آن مطرح می گردد. کمتر کسی تردید دارد که اینک سوسیالیسم در برابر یک آزمون نوین تاریخی قرار گرفته است، آزمونی که نوسازی ژرف و کیفی، و همچنین تقویت پویایی سوسیالیسم را می طلبد. بازنگری پیشگفته از اهمیت دستاوردهای کنونی این نظام نوین اجتماعی نمی کاهد.

در عین حال می دانیم که از سالهای پایانی دهه مفقاده ظهورگر ایشهای منفی در اقتصاد ما آغاز شد. معلوم شد که سوسیالیسم از نظر آهنگ رشد اقتصادی برتری خود را نسبت به سرمایه داری از دست داده است. عقب ماندگی در رشته های تکنولوژی، نوین پیوسته روشنتر نمایان گردید. البته همه کشورهای سوسیالیستی دارای وضع یکسانی نبودند. اما اگر منظره عمومی را مد نظر بگیریم، اوضاع با افزایش دشواریها و کند شدن توسعه مشخص می گردید.

زمانی فرار رسید که لزوم دگرگونیهای ژرف و نوسازی، جامعه سوسیالیستی شوروی، و دگرگونسازی، جدی در عرصه های مختلف زندگی اجتماعی بصورت حاد مطرح گردید. این در برابر مجموعه جبهه تنوریک و جامعه شناسی و طبایف فوق العاده پر مسئولیتی را قرار داد. اینک پاسخ دادن به پرسشی که جامعه را به هیجان آورده است اهمیت دارد، بنای جامعه ای که از درون آتش دگرگونسازی بیرون می آید، چگونه باید باشد؟

وادیم مدودف در حالیکه عناصر اصلی شکلدهی به برداشت امروزین از سوسیالیسم را مشخص می ساخت تاکید کرد که مهمترین آنها درک لنینی سوسیالیسم است که در نتیجه، پکار گرفتن اندیشه های سوسیالیستی در پیکار سازای جامعه در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی توسط لنین تدوین گردیده است. نمی توان این امر را نیز در نظر نگرفت که خود دیدگاههای ولادیمیر ایلیچ نیز به هنگام گذر از کمونیسم جنگی به سیاست نوین اقتصادی (نپ) تحول مهمی پیدا کرد.

تعبیر دکماتیک لنینیسم و بعدها امتناع از اصولی که او تدوین کرده، منجر به پیامدهای سنگینی گردید. صحیح نیست که دوران استالین تنها با خطاهای تاکتیکی، شناپردگی و تمایل به اینکه تنه های یک ضربه به قله های سوسیالیسم دست یافته شود پیوند بخورد. محتوای اشتباهات انجام شده و دگرگونی ساختن سوسیالیسم از اینها عمیق تر و عبارتست از باز پس نداشتن از برداشت های لنینی و از محتوای انسان دوستانه سوسیالیسم.

بازنگری انتقاد آمیز وارونه سازیهای انجام شده توسط استالین در تئوری، و تلاش برای نزدیک کردن تئوری با اینک که در سالهای پنجاه و شصت انجام شد، در تحلیل نهایی بر اثر طرح

ذهنی گرایانه، مسئله بصورت لزوم پیش تازاندن دستیابی به پیروزی اقتصادی بر سرمایه داری و گذار به مرحله سوسیالیسم - بطوریکه ۱۵ - ۲۰ سال پس از آن به کمونیسم منجر شود - بی ارزش و بی اعتبار گردید.

در دوران رکود، انحراف از امتد ولوژی لنینیسم عملا تعمیق گردید. این انحراف بصورت مطرح کردن این تز که در کشور ما جامعه پیشرفته سوسیالیستی ایجاد شده است نمایان گردید. همه ما، به این یا آن طریق، به بحث درباره این تز که در تضاد با زندگی بود کشانده شدیم. این مرحله دشواری برای جامعه شناسی بود، بخصوص فرمول بالا که نخست بمشابه ارزیابی واقعه بینانه تر از پختگی جامعه، ما بجای فرمول ساختمان گسترده، کمونیسم پیشنهاد شد، سپس بیشتر و بیشتر بمنظور نتیجه گیریهای یکپارچه و تحسین موفقیت ها مورد استفاده قرار گرفت - در حالیکه توجه محافل وسیع اجتماعی را از حل مسائل مبهم منحرف می کرد.

وادیم مدودف ضمن بررسی کوششهای دانشندان و جامعه شناسان و رسانه های گروهی در اتحاد شوروی برای کشف خلصت رسوباتی که روی مارکسیسم - لنینیسم گذاشته شده و علل پیدایش آنها گفت: "متأسفانه کوششهای غیر مسئولانه ای برای سایه انداختن روی میراث لنینی و پایه های اصلی و ارزش های سوسیالیسم انجام می گیرد. و گر نه چگونه می توان پیدا شدن این گونه ادعاها را در مطبوعات ما که شیوه اداری - فرماندهی توسط و ای. لنین پایه گذاری گردیده و همچنین تلاشها برای نفی خلصت سوسیالیستی نظام ما، که حتی درستی گزینش سوسیالیستی را زیر علامت سؤال می برد، توجیه کرد."

سخنران سپس تاکید کرد که "تعمیم تجربه جمعی کشورهای سوسیالیستی منبغ مهمی برای شکلدهی به برداشت امروزین از سوسیالیسم است. این تجارب بسیار متنوع است. زمانی به این تنوع باید گمانی نگاه می کرد و حتی در آن عقب نشینی از مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم سوسیالیستی را می دیدند. آن زمانها به گونه ای بازگشت ناپذیر سپری شده است. ما بر آنیم که تنوع اشکال، شیوه ها و روشهای ساختن سوسیالیسم همه ما را غنی تر می کند.

و بالاخره، به هنگام ترسیم چشم انداز سوسیالیسم و فرموله کردن برداشت نوین از سوسیالیسم نباید تجربه بشریت را بعنوان یک مجموعه، و از جمله بخش غیر سوسیالیستی جهان را فراموش کرد. آنطور که لنین می آموخت، سوسیالیسم یک مرحله قانونمند توسعه و تکامل تمدن بشری است. صحبت بر سر آنست که نه تنها دستاوردهای علمی - فنی سیستمی را که علیه ماست، بلکه همچنین بسیاری از شکل های سازماندهی زندگی اجتماعی، روند اقتصادی، و از جمله تولیدات درشت و ریز، اشکال تعاونی تولید، همپیوندی اقتصادی بین المللی و غیره، آن را به حساب آوریم. باز - اندیشی جدی درباره پراتیک سوسیال دمکراسی معاصر و فعالیت مشخص آن از جمله تا آنجا که مربوط به دفاع از دستاوردهای اجتماعی و دمکراتیک عمومی و زحمتکشان می شود، آشکارا در برابر ما قرار گرفته است."

وادیم مدودف سپس گفت: "تصورات ما درباره پایه های اقتصادی سوسیالیسم نیاز به نو شدن و تعمیق جدی دارد. تا

چندی پیش مجموعه بغرنجی ها و چندچانهگی های روند ساختن سوسیالیسم، در توسعه بخش دولتی همراه با محدود کردن مصنوعی تعاونی ها و بخش تولید شخصی خلاصه می شد، اجتماعی کردن صوری بمشابه شرط تکمیل بازسازی سوسیالیستی وانمود می گردید. میان برنامه ریزی، با تمرکز سختگیرانه مدیرییت علامت تساوی می گذاشتند. و به ویژگیهای اقتصادی موسسات و مناسبات کلاسی - پولی کم بها داده می شد.

محتوای بهسازی اقتصادی عبارتست از ایجاد و تشدید انگیزه های اقتصادی برای افزایش تولید و تکامل کیفی آن بر پایه شتابان سازی پیشرفت علمی - فنی. اما بهر حال آنچه مهم است بازنگری در برخورد به مالکیت و چیرگی بر بیکانه شدن انسان نسبت به مالکیت اجتماعی است، که در گذشته نمایان گردیده است. اینک روند بازگشت ناپذیر و گسترده پی ریزی اشکال جدید مالکیت اجتماعی بر وسائل تولید آغاز شده است - اشکالی که در دهه اخیر تا اندازه ای ناشناخته بود.

اجاره کاری را در نظر بگیریم. اینکه چه تاثیر انفجار آمیزی در اقتصاد کشاورزی و در عرصه خدمات از خود نشان می دهد معلوم است. و در عرصه صنعت هم، آنطور که تجربه مجتمع مصالح ساختمانی در منطقه مسکو نشان می دهد چنین است. چیزی هم فرزونتر، اجاره کاری در صنایع بزرگ و نه فقط نسبت به موسسات پیمان و آنها که پریشان بد می چرخد کاربردنی است. مانده فقط باید مناسبات اجاره کاری را که در سال ۱۹۲۰ دچار ممنوعیت شده است صاف و ساده دوباره برقرار کنیم، بلکه همچنین باید آن را بمشابه یکی از آییندها در ترین شکلها، تحقق مالکیت سوسیالیستی وسیعاً تکامل بخشیم.

در مورد تعاون نیز باید همین را گفت. مبنای تعاونی، همچنانکه اشکال فعالیت کاری فردی، نه تنها در سازماندهی اجتماعی تولید کنندگان خرده پا کاربرد دارد، بلکه آن را می توان در این یا آن حلقه پیوندهای تولیدی و اقتصادی و در صنایع بزرگ هم برای سازماندهی مشترک موسسات بمنظور تولیدات کمکی مختلف و خدمات عمومی زیر ساخت تولید و غیره نیز معمول کرد.

مناسبات کلاسی - پولی در سوسیالیسم و پیوند میان برنامه و بازار نیز احتیاج به بازاندیشی جدی دارد. کاربرد وسیع مناسبات کلاسی - پولی در سوسیالیسم شرط ضروری برای مدیریت موثر، بر پایه روشهای اقتصادی و از میان بردن شیوه های بوروکراتیک و خودسرانه مدیریت است. در شرایطی که ما داریم، بازاریک افزاری بی محتوا برای ممانعت سازی، انعطاف پذیر اقتصادی تولید با نیازهای در حال رشد و دائماً متغیر جامعه می باشد و همچنین افزار مهمی برای کنترل اجتماعی بر کیفیت کالاها و هزینه تولید آنهاست.

در همه این موارد ما پایه را بر این می گذاریم که اقتصاد سوسیالیستی بدون نقش غیر و مند مرکز غیر ممکن است."

وادیم مدودف تاکید کرد که "امروز پیشرفت قابل ملاحظه ای در تحقق اصل بنیادین سیاسی سوسیالیسم - قدرت تام و تمام زحمتکشان، شرکت عملی آنان در حل امور دولتی و اجتماعی در مرکز و خارج از آن در راس امور قرار می گیرد.

بازهم جنجال عوامفریبانه

در واقع، اینک در کشور ما یک آزمایش تاریخی برای ایجاد نظام مامیتا نوین حاکمیت و مدیریت انجام می‌گیرد که بر نظام دمکراتیک بطور همه جانبه پیشرفته، که در آن حزب نقش رهبری را دارد پایه‌گذاری شده است.

چه شرایطی برای تحقق موفقیت آمیز پلورالیسم سوسیالیستی لازم است؟ نخست، شکل‌دهی و تکمیل شبکه‌ای وسیع، سیستمی از سازمانها، مجموعه‌ها و انستیتوها که بطور یکسان و انعطاف پذیر پیانگر منافع اجتماعی گوناگون باشند. دوم، تغییر پیکی ارائه و نظایف و روشهای فعالیت حزب بمنظور دمکراتیزه کردن عمیق آن. و بالاخره شرط سوم، تحقق اندیشه دولت سوسیالیستی با حاکمیت قانون، تحکیم پایه‌های حقوقی سرباهای زندگی اجتماعی و استحکام بخشیدن به فرهنگ بالای، حقوقی، سیاسی و همچنین عمومی.

و ادیم مدودف در اشاره به نقش مطبوعات و رسانه‌های گروهی یادآور شد که "آنها بمثابة رزمندگان فعالی برای دگرگونسازی عمل می‌کنند و تربیون با اقتدار و بانفوذی برای اندیشیدن درباره آزمایش و عمل، برای انتقاد و بحث هستند. راست است که گاه از جمله چنین خطاری را می‌شنویم که "تکنند غول را از پطری رها سازید؟"

سخنران اعلام کرد: "دلیلی ندارد حزب ما از رشد فعالیت اجتماعی و مورد انتقاد قرار گرفتن کمبودهای خود پیمناک باشد. همانگونه که لنین عقیده داشت، شمشیر علنیست و انتقاد زخمهایی را که وارد می‌کند خود التیام می‌بخشد.

ما قصد داریم تأثیر حزب را بر روندهای اجتماعی تقویت کنیم، اما نه روشهای فرماندهی-اداری، بلکه بگونه‌ای که نیروهای خود را روی تدوین عمیق‌تر و اساسی‌تر تئوری و سیاست، روی تجهیزیه و تحلیل روندهای اجتماعی و تأثیرگذاری بر عقیده جامعه، از راه پیکار گرفتن اقزوارهای سیاسی و ایدئولوژیکی مختص حزب متمرکز سازیم.

برای باز اندیشی در مورد خود محتوای سوسیالیسم ما آشکارا باید پسوی سرچشمه‌های درک لنینی از همزیستی مسالمت آمیز بازگردیم، و در عین حال آن را از کز اندیشی‌ها و رسوبات دوره‌های اخیر پاک کنیم. برای ما همزیستی مسالمت آمیز روندی است طولانی و درازمدت که تعیین مرزهای تاریخی آن دشوار است.

این تصور نیز، که سوسیالیسم و سرمایه‌داری، می‌توانند به موازات هم رشد کنند کهنه شده است. بر عکس، راههای گسترش آنها پناک‌زیر پام بر خورد می‌کنند و دو نظام پناچار در چارچوب تمدن مشترک پشری بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. البته صحبت درباره همگرایی دو نظام و ادغام آنها نمی‌تواند در میان باشد. هر یک از آنها همچنان طبق قوانین خود تکامل پیدا خواهد کرد. واقعیات دوران معاصر خواهان توضیح دقیق‌تر تناسب میان اولویت‌های همه‌پشری و طبقاتی در مناسبات متقابل دو نظام است.

امروزه، هنگامیکه ارزش‌های مشترک پشری، پیمان مشخص و حداکثر خود را پیش از هر چیز در تضمین بقا، نسل‌پشردست می‌آورد، درست اینهاست که در صدر برنامه‌ها در مناسبات بین‌المللی قرار می‌گیرد و هسته مرکزی تواندیشی سیاسی را تشکیل می‌دهد.

و ادیم مدودف در پایان گفت: "حل مسئله بزرگ و با اهمیتی چون تدوین شیوه‌های نوین و نگرش نوین به برداشت امروزین از سوسیالیسم، خواهان تلاشهای روشنفکرانه بزرگی از سوی کادراهای علمی و ایدئولوژیکی و فعالیت بسیار گسترده در راستای پژوهشهای بنیادین و عملی در

جراید کشورمان این روزها بار دیگر بر است از مطالب و اظهار نظرهای گوناگونی درباره اصطلاح "مبارزه با فساد و اختلاس" در نهادهای غیر انتفاعی، بنیادهای "اسلامی" و موسسات خدماتی و تولیدی. این نه نخستین و نه آخرین باری است که مردم کشورمان شاهد بالا گرفتن سر و صداهایی از قبیل بازداشت، محاکمه و یا تعزیر عدهای غارتگر هستند. دوران دهساله پس از انقلاب بهمین ۵۷ این جار و جنجالهای تبلیغاتی را بارها و بارها پشت سر گذاشته، بی‌آنکه فکری اساسی بحال اکثریت توده‌های محروم و زحمتکش میهنمان شود. "افشاگر بپای" میرزاده، معاون اجرایی نخست وزیر، در مورد سو استفاده‌های کلان مالی در تعدادی از موسسات فوق‌الذکر که در یکی از شماره‌های اخیر "کیهان" درج گردیده است و همچنین به تکاپو افتادن دستگاه قضایی رژیم برای باصلاح محاکمه عدهای سرمایه‌دار، جز عوامفریبی، هدف دیگری را دنبال نمی‌کند.

میرزاده در مصاحبه‌ای که با خبرنگار "کیهان" بعمل آورده، نزدیک به ۲۰ پرونده سو استفاده‌های کلان مالی را مطرح ساخته است. ما بی‌آنکه به جزئیات اولیه و علل مورد اتهام قرار گرفتن تعدادی شرکت و بنیاد و نهاد دولتی و خصوصی - که هر کدام شاید نه میانیونها بلکه میلیاردها ریال از سرمایه ملی شمره خون‌دل خوردن میلیونها زحمتکش کشورمان را به جیب زده‌اند - وارد شویم، تذکر این نکته را ضروری می‌دانیم که حتی مطالعه سطحی سخنان میرزاده این واقعیت ناگفته را آشکار می‌سازد که عوامل مورد اتهام به نحوی از انحاء با بالاترین ارگانها و از جمله وزارتخانه‌ها و شخصیتهای بانفوذی در سپاه پاسداران و در ارتباط بوده‌اند و با آنها بند و بست داشته‌اند.

میرزاده، که بخوبی بر این امر واقف است، تنها به این امر اکتفا می‌کند که به آن نهادهایی که هنوز با هدفهای غیر انتفاعی فعالیت می‌کنند و به اختلاس و فساد در سیستم اقتصادی کشور مشغولند، هشدار بدهد. او بر وال همیشه و به تبعیت از "رهبر" در دادن پند و اندرز به چپاولگران زالوصفت، به همه عوامل عمده خطاری می‌دهد که "در حرکت‌های خود تجدید نظر کنید و الا بشدت مجازات خواهید شد!" حال پس از دهسال پند و اندرز به سرمایه‌داران و دلان و در نهایت هشدارها و اخبارهای توخالی به آنان، نتیجه جز فقیرتر شدن بیش از پیش اکثریت توده‌های زحمتکش جامعه و ثروت اندوزی قشر محدودی از غارتگران و چپاولگران نبوده و نیست.

واقعیت اینست که هرگاه اختلافات و

درگیریها در حاکمیت بر سر قبضه قدرت بالا می‌گیرد، مکانیسم و حربه افشاکری تنها و تنها برای کوبیدن طرف مقابل و نه از موضع اعتقاد به آن به ردیلاته‌ترین وجهی بکار گرفته می‌شود. جار و جنجال عوامفریبانه‌ای که در این راستا اخیرا در جامعه بر راه افتاده است در حقیقت گوشه‌ای از یک سناریوی وسیع است که برای تحقق چند هدف به اجرا در می‌آید. از جمله این هدفها عبارتند از: تضعیف جناح مقابل در جریان درگیریهای درونی بمنظور کسب قدرت و اهرمهای اقتصادی و سیاسی بیشتر و فر و نشانیدن خشم فزاینده توده‌ها.

در گزارش هیئت سیاسی کمیته مرکزی به پلنوم دیمه حزبمان آمده است: "کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان، همراه با گروهی از روحانیون حاکم، کلیه اهرمهای مالی، بازرگانی و مقاطعه‌کاری را قبضه کرده‌اند. سازمان اقتصاد اسلامی، بنیاد نبوت"، صندوق قرض الحسنه، جاوید" و دیگر بنیادهایی که زیر پوشش اسلامی وزیر چتر حمایت سران مرتجع ج.ا. بوجود آمده‌اند، امور عمرانی، بازرگانی و به مقدار زیادی، امور مالی را تحت نثارت دارند..."

مردم کشورمان با گوشت و پوست و استخوان خویش احساس می‌کنند که چه غارتگرانی امر و ز، پس از دوران چپاول خانواده پهلوی و یاران آنها امثال مژبرها و القانیان‌ها و ... بر سر نوشت اقتصادی کشور حاکم گشته‌اند و چه ثروتهایی از طریق معاملات نامشروع بویژه طی سالهای اخیر اندوخته‌اند. سو استفاده‌های مالی و اقتصادی جز لاینفک بسیاری از معاملات، طرح‌ها، قراردادهای برنامه‌های اقتصادی است.

رژیم که بخوبی از اوضاع فاجعه‌بار اقتصاد کشور مطلع است، با باصلاح قربانی کردن چند دزد و کلاهبردار و دلال و انداختن گناه نابسامانیهای کشور بدوش آنها تلاش می‌کند تا خود را از خشم توده‌ها برهاند. به همین منظور نیز صفحات روزنامه‌ها از جریان محاکمه عوامی چون سرپرست "بنیاد نبوت" سیاه می‌شود. اما پس از مدتی مهر های اصلی دزدیها و کلاهبرداریها ورشوه دادن‌ها "بخاطر مصلحت نظام" بصورت سایه‌هایی کم می‌گردند و پرونده‌های بسیاری که مجهول الهویه باقی می‌مانند، به بایگانی سپرده می‌شود.

از این رو، جنجالهای کنونی نیز گرهی از مشکلات روزافزون اقتصادی جامعه‌مان را باز نخواهند کرد و طبیعتاً چیزی هم نصیب توده‌های محروم و زحمتکش میهنمان نخواهد شد. نظامی که بوجود آورنده فساد است، نمی‌تواند با فساد مبارزه کند.

تصحیح و پوزش

همانطور که خود خوانندگان متوجه شده‌اند، در شماره ۲۲۹ "نامه مردم" جای صفحات ۴ و ۵ سهوا پا یکدیگر عوض شده است. بدینوسیله از خوانندگان گرامی پوزش می‌طلبیم.

عرصه‌های گوناگون علوم اجتماعی و مباحثات وسیع دمکراتیک است. از مسأله آزاد عقول اندیشه اجتماعی سود می‌برد و توان پیش‌نگری و در نتیجه استعدادش بمنظور کاربرد بمثابة پایه مطمئن تدوین برداشت سوسیالیسم برای سده بیست و یکم رشد خواهد یافت.

دروود بر تمامی شهدای راه استقلال و آزادی

کارزار جهانی برای نجات جان زندانیان سیاسی ایران

است. در این مطلب که به تشدید مجازاتهای اعدام زندانیان سیاسی پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در ایران اختصاص یافته است، انتقال تعداد زیادی از زندانیان توده‌ای به سلولهای انفرادی و اعتصاب غذایی که "در نتیجه" آن زندانیان سیاسی ممنوع‌الملاقات شده‌اند، مورد تأکید قرار گرفته است.

"دراپو روژ" بپایداری از رفیق احمد دانش که در اسارت جنایتکاران خمینی قرار دارد، در مطلبی تحت عنوان "دادخواهی یک کمونیست در بند" به درج بخشهایی از نامه سرکشاده رفیق دانش خطاب به منتظری پرداخته است.

تظاهرات و گردم‌آبی

همبستگی در هند

بنا به دعوت مشترک رفقای توده‌ای و فدائی (اکثریت) مقیم هند، گردم‌مایی باشکوهی در آملی تئاتر دانشگاه جواهر لعل نهرو به منظور محکوم کردن شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی ایران تشکیل گردید.

در این گردم‌مایی نمایندگان "حزب کمونیست هندوستان"، "حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست)"، "حزب دمکراتیک خلق افغانستان"، "سازمان صلح و همبستگی هندوستان"، "اتحادیه" دمکراتیک زنان سراسر هندوستان"، "فدراسیون ملی زنان هند" و "اتحادیه" دانشجویان دانشگاه جواهر لعل نهرو" به ایراد سخنرانی پرداختند و ضمن محکوم کردن جنایتهای رژیم ج.ا. علیه زندانیان سیاسی و مبارزان دربند ایرانی همبستگی عمیق خود را با آنان اعلام کردند.

همچنین با همکاری حزب کمونیست هندوستان، رفقای توده‌ای ما در این کشور، تظاهرات اعتراضی در برابر سفارت ج.ا. در هند ترتیب دادند. در این تظاهرات اعلامیه کمیته مرکزی حزب در مورد خطر تهدید جان ۵۵ زندانی سیاسی به‌طور وسیع پخش گردید.



گوشه‌ای از تظاهرات رفقای مادر اتریش در مقابل ساختمان نخست وزیر ی دروین: رفقای توده‌ای، فدایی (اکثریت) و نمایندگان گانه از حزب کمونیست اتریش، با دادن شعارهایی در محکومیت جنایات رژیم ج.ا. علیه زندانیان سیاسی، خواستار آزادی همه مبارزان سیاسی دربند در ایران شدند. (عکس از روزنامه "فولکس اشتیمه" - ارگان مرکزی حزب کمونیست اتریش)

(زادگاه) خود، سنان، می‌رفت و در آنجا به درمان رایگان بیماران می‌پرداخت. گنشر، وزیر خارجه (آلمان فدرال)، چند روز پیش، از معاون وزارت خارجه ایران خواست، تا از اعدام احمد دانش صرف نظر شود. عده بسیاری از نمایندگان "پوندستاگ" (پارلمان آلمان فدرال)، از جمله هیلدگاردیم - پروخر، هورست امکه و پتراکلی، در نامه‌های خود به دولت ایران مخالفت خویش را با احکام اعدام اعلام داشته‌اند و خواستار محاکمه منصفانه (زندانیان) شده‌اند.

"عقوبین المللی" نیز نگرانی خود را نسبت به موج جدید اعدام در ایران ابراز کرده است. در هفته‌های گذشته، رسانه‌های گروهی رسمی ایران بارها از اعدام مخالفان دولت سخن گفته‌اند. "عفو بین المللی" در همه موارد مشابه مخالفت خود را با اعدام اعلام کرده و آن را مغایر با حق زندگی و اعلامیه حقوق بشر شده است. "عقوبین المللی" در مورد ایران بویژه نگران است، چه در این کشور شرایط برای محاکمه منصفانه به هیچ روی وجود ندارد. فزون بر این، (در ایران) حق فرجام برای محکوم شدگان به اعدام شناخته نمی‌شود.

"دراپو روژ"

دادخواهی یک کمونیست در بند

روزنامه "دراپو روژ"، ارگان مرکزی حزب کمونیست بلژیک، چندین بار پیش در سه شماره جداگانه خود به درج مطالبی پیرامون اعدام رفقای توده‌ای و فدائی (اکثریت) در زندانهای ج.ا. اقدام کرد. این روزنامه در مطالبی که تحت عنوان "جنایت وقیحانه" منتشر کرده، درباره شهادت رفیق انوشیروان ابراهیمی، دبیر وقت



کمیته مرکزی حزب توده ایران، نوشت: "رفیق انوشیروان ابراهیمی بدلیل پایبندی به آرمانهای سیاسی و حزب خود توسط رژیم خونخوار ج.ا. به قتل رسید."

"جنایات در سیاهچالهای خمینی" عنوان مطلب دیگری است، که "دراپو روژ" با درج آن، خبر اعدام تعدادی از رفقای توده‌ای و فدایی (اکثریت) را به اطلاع خوانندگان خود رسانده

کمک رسانی که

خود به کمک نیاز دارد

روزنامه "فرانکفورتر روند شائو" (آلمان غربی) در شماره ۱۴ اکتبر، خود زیر عنوان بالا مقاله‌ای درباره رفیق احمد دانش، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، چاپ کرده است.

"فرانکفورتر روند شائو" می‌نویسد: "وضع زندانیان سیاسی در ایران، با پایان جنگ خلیج، بگونه‌ای جدی به وخامت گراشیده است. پس از اعدام ده زندانی در اواخر ژوئیه، اکنون جان ۵۵ تن باصطلاح "ضد انقلابی و چپ‌سوس عراق" در معرض خطر است. یکی از کسانی، که در سلول مرگ پسر می‌برد، احمد دانش است، که دخترهایش، میترا و ندا دست باری بسوی رئیس جمهور فدرال، صدر اعظم و وزیر خارجه فدرال، هانس دیتریش گنشر دراز کرده‌اند."



روزنامه آلمان غربی می‌افزاید: "دکتر احمد دانش پنج سال است، که در زندان مخوف اوین دربند است. چنانکه دخترهای او (او به "ف.ر.") "فرانکفورتر روند شائو" گفته‌اند، دو ماه است، که مکاتباتشان با وی قطع شده است. بگفته آنها، با توجه به موارد مشابه، این نشانه مطمئنی است، مبنی بر آنکه جان پدر آنها در معرض خطر است. دانش در سال ۱۹۵۲ به جمهوری فدرال آمد و در کلن در رشته پزشکی به تحصیل پرداخت. وی پس از پایان دوره تخصصی درپخش اورولوژی، بیمارستان "دوربورگ" بعنوان سرپرست کار مشغول شد. (دانش) در نوامبر سال ۱۹۷۲ با خانواده خود به ایران بازگشت و در دوران شاه به نخستین عمل موفقیت آمیز پیوند کلیه در ایران دست زد.

بگفته دخترش میترا دانش، که خود در کلن در رشته پزشکی به تحصیل مشغول است "پس از انقلاب اسلامی در فوریه ۱۹۷۹ پدرمان بر فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی خود افزود". وی عضو حزب (کمونیست) توده است، "فعالیت‌های او پیوسته در چارچوب قوانین جمهوری اسلامی ایران بود". میترا دانش می‌گوید: "او بخاطر عقاید سیاسی اش مورد اتهام قرار گرفت، در صورتیکه هیچگاه در فعالیت‌های قهرآمیز شرکت نداشته و از چنین اقداماتی هواداری نکرده است. هدف پدر او همواره بهبود وضع مردم بوده است. احمد دانش هر دو هفته یکبار از تهران به شهر

سخنی دربارهٔ موقعیت کارگران کشاورزی در جهان

در همین کنفرانس اتحادیه‌های کارگران کشاورزی، کشت، جنگل که در ماه مارس ۱۹۸۸ در پراگ برگزار گردید، شرکت کنندگان در کنفرانس پیرامون موقعیت کارگران کشاورزی در کشورهای مختلف جهان، مسائل و مشکلات آنان، مبارزات و دستاوردهایشان اسناد و آمار و فاکت‌های متعددی ارائه کردند. بعلاوه اهمیت مطالب ذکر شده در گزارش‌های مزبور خلاصه‌ای از آن را بنظر خوانندگان "نامه مردم" می‌رسانیم.

از تاریخ برگزاری نهمین کنفرانس در سال ۱۹۸۲ در بوداپست تا کنون بحران اقتصادی در کشورهای سرمایه‌داری تشدید شده است. عوارض این بحرانها بیش از همه متوجه حقوق کارگران و زحمتکشان است. ره‌آورد این بحران در محدوده ملی و بین‌المللی بیکاری، فقر و بیماری برای کشورهای وابسته سرمایه‌داری است.

وجود زنجیر ارتباطی واردات مواد خام از کشورهای در حال رشد و صدور کالاها ساخته شده سبب انتقال بحران به این کشورها گردیده است.

در این مدت، عده زیادی از کارگران کشاورزی کار خود را از دست داده‌اند. بر اساس آمارهای رسمی در کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی ۲۱/۵ میلیون بیکار هستند. در کشورهای "جامعه اقتصادی اروپا" شمار افرادی که بیش از یکسال بیکار بوده‌اند، ۱۷ درصد بیشتر از دهه گذشته بوده است. این خود دلیل دیگری بر رشد بیکاری در کشورهای سرمایه‌داریست. این روند صعودی همچنان ادامه دارد.

مسئله بیکاری برای زنان و جوانان بویژه حادتر است. طبق گزارش "سازمان بین‌المللی کار" در سال ۱۹۸۵ در آمریکا حدود ۱۹ میلیون نفر یعنی $\frac{1}{6}$ شهروندان این کشور به کار نیمه وقت اشتغال داشته‌اند.

برای مثال در سال ۱۹۸۵ فقط ۵۸/۷ درصد از کارگران تمام وقت کار کرده و از مجموعه کارگران که بطور نیمه وقت شاغل بوده‌اند ۵۷ درصد زنان ۲۱ درصد جوانان و ۸ درصد را کارگران مسن تشکیل می‌دادند.

قابل ذکر است که زنان کارگر در زمینه کشاورزی بیش از ۵۰ درصد نیروی کار را تشکیل می‌دهند.

تکنولوژی جدید

گسترش تکنولوژی جدید مسائل بسیاری را برای اتحادیه‌های کارگری ایجاد کرده که از اهم آنها بیکار شدن شمار زیادی از کارگران و تجاوز به حقوق اتحادیه‌های کارگری است.

اتحادیه‌های کارگری مرکز مخالف گسترش تکنولوژی جدید و درحقیقت پیشرفت علم و تکنیک نیستند، بلکه این اتحادیه‌ها با عوارض جنبی آن مبارزه می‌کنند. بکارگیری تکنولوژی مدرن در کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته موجب بالا بردن تولید بفتح سرمایه‌داران و کم کردن میزان اشتغال افزایش درجه استثمار کارگران می‌گردد. گسترش تکنولوژی در کشورهای سوسیالیستی نیز با خود

مشکلاتی را به همراه داشته ولی از آن برای بالا بردن کیفیت و قابلیت کار کارگران و افزایش تولید و آسان ساختن کار استفاده کرده‌اند و در همه زمینه‌ها حقوق اتحادیه‌ها و حقوق انسانی کارگران مورد توجه بوده است.

اصلاحات ارضی

اصلاحات ارضی و ارتباط آن با پیشرفت اجتماعی سابقه تاریخی دارد. در بسیاری از کشورهای آسیا و آمریکای لاتین و کشورهای پیشرفته صنعتی صدها میلیون نفر از کارگران کشاورزی و خانواده‌هایشان در فقر و گرسنگی به سر می‌برند و این در شرایطی است که در قرن حاضر علم و تکنولوژی پیروزی‌های بزرگی داشته است.

سازمانهای کارگری و اتحادیه‌های آنان همکاری فعالی را با سازمانهای ملی و منطقه‌ای در جهت مبارزات کارگران برای اصلاحات ارضی ریشه‌ای و واقعی بعمل می‌آورند. تجربه‌شان داده است که توسعه کشاورزی واقعی و یک اصلاحات ارضی موثر بدون مشارکت دمکراتیک کارگران روستائی امکان پذیر نیست.

فقر و گرسنگی

بیشتر از $\frac{1}{2}$ میلیارد نفر یعنی بیش از $\frac{1}{3}$ جمعیت جهان بد تغذیه می‌شوند. در سال ۱۹۸۶ چهارده میلیون کودک قبل از رسیدن به سن ۵ سالگی مردند. بیش از سیصد و هشتاد هزار کودک هر روز می‌میرند و از هر سه کودک در کشور مالی یکی قبل از اینکه به سن ۵ سالگی برسد تلف می‌شود. در کلمبیا بیش از نصف جمعیت دچار بدی تغذیه هستند و متوسط مردم روستائی سی سال و در مناطق شهری ۴۹ سال است.

در این کشور از هر ۵ کودک یکی قبل از $\frac{1}{5}$ سالگی می‌میرد و این در حالیست که ۱۴ درصد بقیه در سنین ما قبل مدرسه تلف می‌شوند. همه اینها در شرایطی اتفاق می‌افتد که تسلیحات بطور کلی در سال ۱۹۸۷ هزار و دویست میلیارد دلار را بخود اختصاص داده است.

کشورهای سوسیالیستی و تغییرات جاری در آنها

برای دوره معینی کشاورزی در کشورهای سوسیالیستی چهره رشد نیافته‌ای را نشان می‌داد. در شرایط فعلی در این کشورها میلیونها نفر از طریق کار در کشاورزی زندگی می‌کنند و در تمام زمینه‌ها چه از لحاظ دستمزد و چه از نظر امور رفاهی همپایه کارگران صنایع هستند و مسائل و مشکلات بسیاری را که در این راه وجود داشت از میان برده‌اند. پیشرفت کشورهای سوسیالیستی در زمینه تولیدات کشاورزی، بالا بردن تکنولوژی تولید، رشد مکانیزاسیون، کاربرد مواد شیمیائی در کشاورزی بسیار چشمگیر است. مواردی از پیشرفت در زمینه تولیدات کشاورزی را می‌توان در مقایسه بزرگترین کشور سرمایه‌داری جهان با مهد سوسیالیسم پروشنی دید. برای مثال در سال ۱۹۱۲ تولید چغندر قند در روسیه آن زمان $\frac{11}{2}$ میلیون تن بود؛ در حالیکه این تولید در سال ۱۹۸۵ به $\frac{۸۲}{1}$ و

در سال ۱۹۸۷ به ۹۰ میلیون تن چغندر قند رسیده است. تولید سیب زمینی که یکی از محصولات اساسی صنایع غذایی است در سال ۱۹۱۲، ۲۱/۹ میلیون تن، در سال ۱۹۸۵، ۷۲ میلیون تن و در سال ۱۹۸۷ ۷۵/۹ میلیون تن بوده است. این در حالیست که تولید سیب زمینی در ایالات متحده آمریکا ۱۶/۵ میلیون تن است.

تولید شیر در سال ۱۹۱۲ معادل $\frac{29}{4}$ میلیون تن و در سال ۱۹۸۵ برابر ۹۸/۲ میلیون تن بود. در سال ۱۹۸۷ این رقم در اتحاد شوروی به $\frac{103}{4}$ میلیون تن رسید. این در حالیست که تولید شیر در سال ۱۹۸۵ در ایالات متحده آمریکا فقط ۶۵ میلیون تن بوده است.

این افزایش تولیدات در اتحاد شوروی در حالی بدست آمده که با مبارزه برای قدرتمندتر شدن سوسیالیسم و پاکبیری آن در کشورهای دیگر و در حالت مبارزه با امپریالیسم در همه زمینه‌ها همراه بوده است.

کاهش تولیدات نظامی و قطع مسابقات تسلیحاتی سوسیالیسم را در جهت رشد و ترقی اجتماعی و افزایش تولیدات مواد غذایی مورد نیاز انسانی بیشتر یاری خواهد کرد، این واقعیت مبنای سیاست پشتیبانی از صلح کشورهای سوسیالیستی است.

صلح و پیشرفت اجتماعی

صلح و پیشرفت اجتماعی دو جز جدانشدنی از یکدیگرند و این یک واقعیت عمومی و حیاتی است، امروز این امکان پیدا شده است که شعار اتحاد شوروی در زمینه اینک: سال ۲۰۰۰ باید سال بدون سلاحهای هسته‌ای باشد به حقیقت پیبوند. متأسفانه همین مطلب را درباره آمریکا نمی‌توان گفت. ایالات متحده نه تنها کوشش برای یافتن راه مسالمت جویانه برای حل مسائلی چون جنگ ایران و عراق و نیکاراکوئه نمی‌کند، بلکه بر آتش بحران نفت می‌پاشد.

جنبش‌های کارگری

کارگران کشاورزی مانند سایر زحمتکشان تحت استثمار شدید قرار دارند و این منجر به پیش بردن مبارزات قهرمانانه شده است که گاهی به قیمت جان آنان تمام می‌شود. برای مثال در پننگلادش در نوامبر ۱۹۸۴ کارگران در مبارزه عمومی مردم شرکت کردند. در این کشور ۷ میلیون خانوار فاقد زمین هستند و ۴۲ میلیون کارگر روستائی در معرض خطر بیکاری بسر می‌برند. در پاره‌ای موارد درآمد سالانه یک خانوار روستائی معادل ۱۵ روز کار در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داریست. در نوامبر ۱۹۸۴ در اروگوئه و در ۱۹۸۲ در تونس کارگران دست به تظاهرات و اعتصاب زدند. در مارس ۱۹۸۷ در پاریس یک میلیون کارگر به خیابانها ریختند و امنیت حقوق اجتماعی خود را خواستار شدند. در کلمبیا کشوری که زیر سرکوب خونین سران رژیم است، جایی که فعالین سندیکائی کشته می‌شوند در اکتبر ۱۹۸۷،

شادباش به رفیق ویلنر

رفیق ارجمند مئیر ویلنر، کمیته مرکزی حزب توده ایران مفتادمین زادروزت را به تو رفیق مبارز صمیمانه شادباش می گوید.

کمیته های ایران ترا بعنوان یک چهره دیرین و برجسته جنبش بین المللی کمونیستی می شناسند. نزدیک به نیم سده است، که تودر سنگر صلح و سوسیالیسم به رزم فداکارانه اشتغال داری.

ما برای پیکارت علیه سیاست شونیستی، اشغالگران و تجاوزکارانه رژیم اسرائیل و پشتیبانی همه جانبه ات از مصالح خلق فلسطین ارچ ویژه قائلیم.

حزب توده ایران تندرستی و کامیابی ات را خواستار است و آرزو می کند، که بتوانی سالهای سال با فعالیت خلاق خود همچنان در راه خدمت به حزب و خلقت کام برداری.

با درودهای کمونیستی،
کمیته مرکزی حزب توده ایران
اکتبر ۱۹۸۸

گوشه هائی

از زندگینامه رفیق ویلنر

رفیق مئیر ویلنر در ۲۳ اکتبر ۱۹۱۸ در شهر ویلنای لهستان (آن زمان) بدنیا آمد. او در سال ۱۹۳۸ به فلسطین رفت و در دانشگاه عبری اورشلیم در رشته های تاریخ و فلسفه به تحصیل پرداخت.

مئیر ویلنر در سال ۱۹۴۰ به حزب کمونیست فلسطین پیوست، که در آن دوران مخفی بود، و دو سال بعد دبیر شاخه محلی این حزب در اورشلیم شد.

رفیق ویلنر در سال ۱۹۴۲ به عضویت کمیته مرکزی و چندی بعد به عضویت هیئت سیاسی درآمد. او در سال ۱۹۴۴ مسئولیت سردبیری "کل هام"، ارگان مرکزی حزب را بعهده گرفت. ویلنر پس از تاسیس کشور اسرائیل، در سال ۱۹۴۸ به عضویت "کنشت"، پارلمان این کشور، انتخاب شد و تاکنون نیز در این سمت انجام وظیفه می کند. حزب کمونیست اسرائیل در سال ۱۹۵۴ مسئولیت سردبیری "زوهادرخ"، ارگان تئوریک حزب، را به او سپرد.

رفیق ویلنر در کنفره پانزدهم در سال ۱۹۶۵ به سمت دبیر کل حزب کمونیست اسرائیل برگزیده شد. او همچنین از سال ۱۹۷۷ تا کنون ریاست "جبهه دمکراتیک صلح و برابری" را بعهده دارد.

سخنی درباره موقعیت . . .

۱۷۰۰۰ کارگر کشاورزی در تظاهرات به مناسبت قتل یک فعال سندیکائی شرکت کردند.

میلیونها کارگر کستاریکا علیه اتحادیه مالکین مبارزه می کنند و این مبارزات در سالهای ۸۲ و ۸۴ و ۱۹۸۵ ادامه یافته است.

در سال ۱۹۸۲ در پاناما کارگران بمدت دو ماه برای احقاق حقوق خود مبارزه کردند. در ۱۹۸۵ هندوراس شاهد تظاهرات ۵۰۰۰ کارگر بود و در اواخر سال ۱۹۸۷ در فیلیپین ده هزار کارگر روستائی علیه قتل یک فعال سندیکائی بوسیله نیروهای انتظامی اعتراض کردند.

در آوریل ۱۹۸۴ در سربلان ۶۰۰۰ میلیون کارگر مزارع جای و گیاهان صنعتی اعتصاب کردند. خواست آنها دستمزد بالاتر با ساعات کار کمتر بود.

در مارس ۱۹۸۷ سازمان کارگران پرتغال مخصوصاً در لیسبون خواستار انجام اصلاحات ارضی شدند. در ژوئیه ۱۹۸۷ در هائیتی از ۲۰۰۰ تظاهر کننده که به خیابانها آمده بودند ۲۵۰ نفر بوسیله زمینداران بزرگ که از طرف امپریالیسم حمایت می شوند کشته شدند.

در ایران اکثر فعالان سندیکائی دستگیر و یا بچارچ گریخته اند و هر نوع فعالیت سندیکائی ممنوع گردیده. رژیم ارتجاعی از انجام اصلاحات ارضی بنیادی طفره می رود و این در حالیکه که جنبش های خودجوش دهقانی در همه جا و به قیمت از دست دادن جان جوانان روستائی و تازیانه خوردن دهقانان بالای ۸۰ سال وسیله حکام شرع برای احقاق حقوق خود ادامه دارد.

جنگ ایران و عراق بیشترین قربانیان را از جوانان روستائی می گیرد و این در حالیکه که بنا به گفته رئیس جمهور رژیم خسارات ناشی از جنگ فقط در زمینه کشاورزی از ۲۰۰ میلیارد دلار تجاوز کرده است. ۳۰ هزار شورای اسلامی در روستاهای ایران بصورت شبکه امنیتی و جاسوسی رژیم برای بسیج نیروهای انسانی جنگ و غارت بازمانده امکانات زندگی فقیرانه دهقانان ایران تشکیل شده است.

بیش از ۲۰ میلیون روستائی در زیر خط فقر زندگی می کنند، رشد جمعیت روستائی در ایران از بالاترین ارقام موجود در جهان است. تولیدات کشاورزی بصورت مونتاژ و متکی به واردات از کشورهای امپریالیستی از ویژگیهای اقتصاد کشاورزی ایران در جهت تحکیم وابستگی شده است.



جبهه متحد خلق ضامن پیروزی انقلاب است!

سوار در پلنوم "جامعه کمونیست های یوگسلاوی"

بدون سانترالیسم دمکراتیک

نمی توان موفق بود

مقدمین اجلاس کمیته مرکزی "جامعه کمونیستهای یوگسلاوی" در روزهای ۱۹-۱۷ اکتبر در بلژراد برگزار شد.

سندی که در این اجلاس به تصویب رسید، وظایف کمیته های یوگسلاوی را در راستای چیرگی بر دشواریهای کنونی این کشور تعیین می کند. سند نامبرده ضرورت حل هر چه سریعتر مسائل اقتصادی و اجتماعی یوگسلاوی را یادآور می شود.

استیپ سوار، صدر هیئت رئیسه کمیته مرکزی، در سخنرانی گشایشی خود از نگرانی کمیته ها و دیگر شهروندان یوگسلاوی نسبت به مسائل پیچیده کنونی یوگسلاوی سخن گفت. وی خاطر نشان ساخت که وضع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی یوگسلاوی خطر بی ثباتی این کشور را در بر دارد. بگفته استیپ سوار، اجلاس مقدم کمیته مرکزی "به تاکید بر این واقعیت موثف است که سوسیالیسم در یوگسلاوی بی چشم انداز نیست. وی افزود:

"جامعه کمونیستهای یوگسلاوی" باید آمادگی و توان آنرا داشته باشد، تا همه نیروهای مترقی جامعه یوگسلاوی را رهبری کند. هیچ دگرگونسازی موفقیت آمیز "جامعه کمونیستهای یوگسلاوی" نمی تواند بدون رعایت اصل سانترالیسم دمکراتیک صورت گیرد.

مقدمین پلنوم "جامعه کمونیستهای یوگسلاوی"، همچنین به تغییراتی در ترکیب کمیته مرکزی، هیئت رئیسه آن و کمیسیونهای گوناگون دست زد. در رای اعتماد به ده تن از بیست و سه عضو هیئت رئیسه دوشان چربیچ اکثریت کافی را بدست نیاورد و پس از اعلام نتیجه رای گیری، از مسئولیت خود استعفا داد. پیش از برگزاری پلنوم چهار عضو هیئت رئیسه درخواست استعفا کرده بودند، که با موافقت پلنوم روبرو شد. به گزارش "تانیوک"، اجلاس آینده کمیته مرکزی مسئله تغییر قانون اساسی یوگسلاوی را بررسی خواهد کرد.



گمک مالی به حزب توده ایران
یک وظیفه انقلابی است

حساب بانکی ما:

Sweden, Stockholm
Sparbanken Stockholm
NO: 040012650
Dr. John Takman

NAMEH MARDOM

NO: 230

25 October 1988

Addresses: 1. P.B. 49034 10028 Stockholm 49 Sweden

2. Dr. W. SILBERMAYR, PF. 398, A-1141 WIEN, ÖSTERREICH

نشانی های ا-
پستی ۴

نامه مردم